زنده گی مشترک

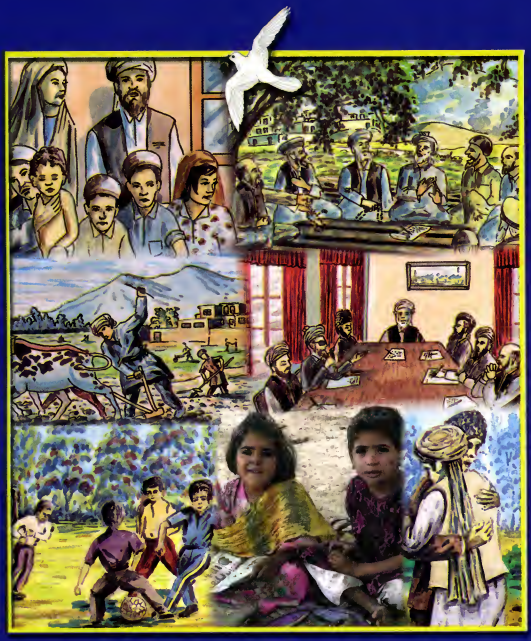

سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

به همکاری

اداره‌ء پروگرامهای تعلیمی و تربیتی مهاجرین افغانی و عودت کننده گان

و UNHCR

پروژه‌ء ابتکاری ازده‌ء بزرگ ، به کمک مالی حکومت جاپان

نومبر، سال ۲۰۰۱

همکاران قلمی:

نویسنده ګان:

پوهنمل عبد الحق دانشمل
محترم محمد آصف صمیم

تصحیح کننده ګان:

پوهاند ډاکټر الف شاه ځدران
پوهنمل اسمعیل یون
پوهندوی غلام دستګیر خاورین
پوهنمل عبدالحق دانشمل

کمپوزر:

عبدالصبور کریمی

مشاورین تخنیکی:

محترم ارشد سعید خان
پوهنوال لطف الله صافی

فهرست

پیشگفتار ۱
اهمیت و ضرورت زنده گی مشترک ۳

خانواده ۵
قریه ۹
شهرک و شهر ۱۴
ملت ۱۵
مکتب ۱۷

همصنفیها ۲۱
معلم ۲۳
سرمعلم ۲۴
اجتماع مکتب ۲۵
راه و رسم زنده گی مشترک ۲۷

جرگه ۲۷
اشر ۳۲
عدالت ۳۴
احترام متقابل ۳۶
تعاون ۳۷
وفا به عهد ۳۸
امانتداری ۳۹
صلح ۴۰
عفو ۴۱
تحمل ۴۲

PROPE

Contributions:

Writers:

Prof. Abdul Haq Danishmal
Mr. Mohammad Asif Samim

Editing:

Dr. Alef Shah Zadran
Prof. Ismael Yoon
Prof. Ghulam Dastagir Khawrin
Prof. Abdul Haq Danishmal

Composer:

Abdul Saboor Karimi

Coordinator:

Mr. Arshad Saeed Khan
Prof. Lutfullah Safi

Living Together

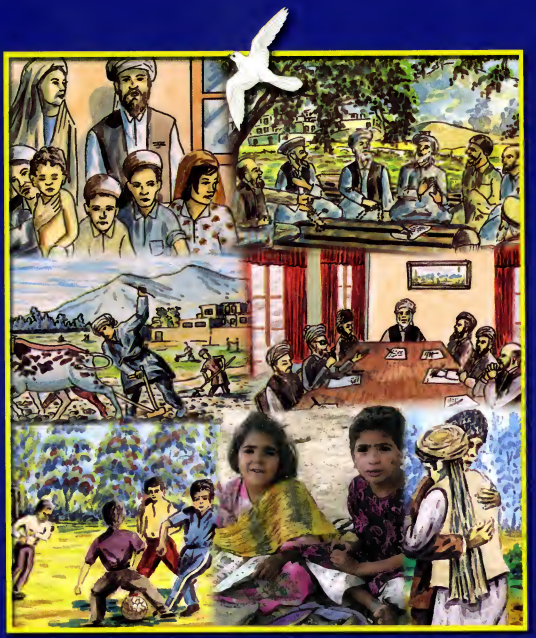

UNESCO

UNITED NATIONS EDUCATIONAL, SCIENTIFIC AND CULTURAL ORGANIZATION (UNESCO)

IN COLLABORATION WITH

UNHCR AND AFGHAN REFUGEES/RETURNEES EDUCATIONAL PROGRAMS (AREP)

UNHCR

PUBLISHED UNDER
Greater Azra Initiative (GAI) Project
Funded by Govt. of Japan

November 2001

AREP

بسم الله الرحمن الرحیم

PROPERTY OF ARIC Established 1989

PROPERTY OF ACKU 9874

پیشگفتار

شرایط تعلیم و آموزش در افغانستان، بسیار ضعیف شده است. تحقیقات کنونی یونسکو، واضح ساخته است که درین کشور جنگ زده، شاگردان مکاتب، کتابهای درسی، کافی ندارند. نه تنها کتابهای درسی، کم است،بلکه کتابها ناقص نیزمیباشند. به همین اساس ضرورتهای شاگردان و اطفال را در قرن ۲۱ برآورده کرده نمیتوانند.

در افغانستان نشرات تلویزیونی،جراید ،روز نامه ها و دگر منابع جهت به دست آوردن معلومات موجود نمیباشند. بنابرین اطفال و شاگردان به صورت عموم از آن پیشرفتهای که در جهان خارج صورت میگیرد، بی اطلاع مانده اند. این سلسله مواد ممد درسی که به ابتکار یونسکو، به نشر سپرده میشود. آن بخش معلومات اطفال افغانی را تقویت میکند که بسیار مهم بوده و آن مطالب در کتابهای درسی، موجود نمیباشد.

موضوعات مواد ممد درسی این سلسله قرار ذیل است.

۱- ساینس - اعجاز ساینس (اختراعات جدید)

۲- تعلیمات صحی - رشد سالم طفل و رهنمود کمکهای اولیه

۳- اجتماعی شدن - زنده گي مشترك (خانواده و همسا لان)

۴- انفجار نفوس- تاثیر رشد سریع نفوس بالای سویه زنده گی.

این مواد آموزشی به زبانهای پشتو و دری نشر شده است. این کتابها، توسط دانشمندان ،متخصصین تعلیم و تربیه ونویسنده گان افغانی، تحریر شده است. اداره تعلیم و تربیه مهاجرین و عودت کننده گان افغان (AREP) که یك موسسه افغانی غیر دولتی است، در نتیجهء مساعی مشترك با یونسکو، تسهیلات تهیهء مسوده، ازمایش مقدماتی،کمپوز و نهای ساختن آن را فراهم نموده است.

این سعی وتلاش بر اساس ابتکار پروژهء "ازر بزرگ" که به کمك مالي حکومت جاپان، صورت گرفته است، به کار انداخته شده است. ما از مساعدت متخصصین افغاني و از همکاري موسسهء AREP صمیمانه تشکر میکنیم. آ رزو داریم که این کتابها برای شاگردان افغان، راه وروشهای را روشن سازد که در جهان ، جدیداً به وجود امده است. امید است این کتابها سطح دانش شاگردان را بلند برده و زاویه دید شان را وسعت بخشند. مواد ممد درسي به شکل آزمایشي نشر گردیده ودر امر اصلاح وبهترساختن آن از پیشنهادات ونظریات شما ا ستقبال میکنیم.

خانم انگبورگ براینس
مدیرهء دفتر یونسکو
اسلام اباد
۳۰ اکتوبر، سال ۲۰۰۱م

اهمیت و ضرورت زنده گی مشترک

انسان درمیان مخلوقات خداوند (ج) یگانه مخلوق است که خداوند در مورد وحدت شان یاد آوری نموده است و میفرماید:

تمام نوع بشر در بدو آفرینش یك فرقه واحد بود . اما بعد از آن در بین خود متفرق گردیدند. "یونس ۱۹"

یا: تمام نوع بشر در بدو امر یك گروه واحد بود. "بقره ۲۱۳"

از حکمت خدای بزرگ در امر همزیستی بین انسانها چنین پیداست که در امر همزیستی شان راز ادامه و پیشرفت زنده گی نهفته است زیرا آن چنان که در پیشبرد کاروان زنده گی، کردار و قومیت ، اختلاف مزاج و تفاوتها ضرورت است ، همان سان به اتحاد و به جمع شدن در یك گروه، نیز ضرورت احساس میشود. یعنی زنده گی انفرادی همهء آن سعی و تلاش انسان را با موانع مواجه میسازد، که در امر انکشاف جهانی، برایش سپرده شده است.

خداوند بزرگ، به انسان، قابلیت حکمرانی بالای تمام جهان و کائنات (زمین ، آب و هوا) را داده است.

انسان از این قابلیتهای خود آن گاه میتواند استفاده به عمل آورد که راه و رسم لذت بردن از زنده گی اجتماعی را بداند. زنده گی اجتماعی، انسان را به گونهء درست در رفع مشکلات و موانع زنده گی قادر میسازد.

مشکلات انسان در زنده گی اجتماعی، تقسیم میشود و خوشحالی آن دو چندان میگردد. بیایید به راز لذت بردن از زنده گی مشترك، خود را آگاه سازیم و برای دگران آن قدر مفید واقع شویم، آن چنان که برای خود مفید میباشیم. اگر چی قبلاً یاد آور شدیم که در میان مخلوقات خداوند(ج) انسان، یگانه موجودی است که راز زنده گی او در وحدت آن نهفته است. اما در قبال آن بعضی از انواع حیوانات هم بقا و پیشرفت خود را در زنده گی مشترك میبینند.

در این میان زنبور عسل را در نظر میگیریم، که زنده گی مشترك دارند و هر فرد آن تحت یك نظم خاص وظیفهء خویش را انجام میدهد. مورچه ها نیز به همین منوال اند. تمام شان از طرف روز پی کار خود روان میشوند ، آذوقه به دست میآورند و سپس آن را به لانهء مشترك شان انتقال داده و بدین گونه به زنده گی مشترك خویش ادامه میدهند.

گاوها، گاومیشها، گوسفندها و آهوها نیز زنده گی مشترك دارند.

خانواده

اطفال عزیز و خواننده گان گرامی !

همان سان که خانواده، پرورشگاه اصلی شماست، نخستین محل تربیت شما نیز به شمار میرود. شما در خانواده از مادران و پدران، کلانها ، خواهران و برادران، پدر کلانها و مادرکلانها آداب زنده گی را یاد میگیرید. مادران و پدران برای شما یاد میدهند که چی گونه برای دگران سلام بدهید. چی گونه همرای شان احوال پرسی کنید. و چطور ایشان را احترام کنید. چی گونه به دستر خوان بنشینید و آداب نان خوردن را چی‌گونه بیاموزید. به گونهء مثال وقتی که صبح چای مینوشید ، پیش از آن باید دندانهای خود را همرای برس و کریم دندان و یا مسواك خوب پاك بشویید. باید دستها و روی خویش را شسته باز به نوشیدن چای شروع کنید. قبل و بعد از صرف نان چاشت و شام

هم باید دستها و دهن خود را پاك بشویید تا به این اساس هم دستها و هم دهن تان پاك نگهداشته شود. باید متوجه باشید که اگر دندانهای خود را به وقت و زمانش برس نکنید ، در بین دندانها مواد خوراکه باقی میمانند، که این مواد باقیمانده در بین دندانها پوسیده شده و در آن صورت هم دندانهایتان را کرم میزند و هم دهن بد بوی میگردد. وقتی که دهن تان بد بوی شود اگر با اعضای دگر خانواده روبرو شوید یا سر دسترخوان بنشینید، آنها ناراحت میگردند و محبت آنها نسبت به شما کم میشود.

اطفال و خوانندهٔ گان عزیز!

هر طفل و هر انسان به محبت ، شفقت و مهربانی ضرورت دارد و به اساس همین شفقت و مهربانی راههای رشد و پیشرفت آنها مساعد میگردد . والدین شما بر شما زیاد شفقت و مهربانی میکنند، زیرا که خداوند (ج) در دل والدین محبت اولاد را زیاد جا داده است. مگر این شفقت و مهربانی در فامیل، یك طرفه نبوده و نه تنها باید از طرف مادر و یا پدر باشد . برای شما هم لازم است تا احترام و عزت مادر و پدر را بجا آورده، سخن شان را پذیرفته و طبق رهنمایی شان کار کنید.

برای اطفال، لازم است که در کار های خانه با مادر و پدر خود همکاری کنند. مثلاً، وقتی نان آماده میشود، دستها را بشویند، دستر خوان را هموار کنند و دگر کار های را که مادر و پدر در خانه برای شان میگویند انجام دهند. بدون اجازه مادر و پدر به جای دور از خانه نروند و وقتی که از خانه میبرآیند، مادر، پدر، یا خواهران و برادران کلان خود را با خبر سازند. زیرا بیرون از خانه، یك سلسله خطراتی وجود دارد که اگر اطفال احتیاط نکنند ممکن به آن روبه رو شوند. نکتهء دگر این که اگر از مادر و پدر اجازه گرفته نشود، اطفال، بی پروا آموخته میشوند و در وقت مشکلات و خطرات، فامیل از اطفال، خویش خبر نمیباشند و آیندهء آنها نیز اطمینانبخش نخواهد بود.

یك خانواده که از اطفال، جوانان و کلانها تشکیل شده، برای همهء شان ضرور است که وظایف خویش رابه خوبی در فامیل بسر رسانند. زیراکه در خانواده مشترك زنده گی میکنند و خانواده اساس زنده گی مشترك است. بزرگان باید بالای اطفال شفقت و مهربانی داشته باشند. آنها را ناز بدهند، آنها رادر انجام کار هاتشویق و رهنمایی کنند. آداب زنده گی را برایشان یاد بدهند. آنها را به قلم و کتاب آشنا سازند و به احترام بزرگان تشویق

نموده و به راه و رسم زنده گی حال و آینده متوجه سازند . برای اطفال هم لازم است که احترام پدر و مادر و سایر بزرگان را به جا آورند ودر امور خانواده به آنها یاری رسانند، خواسته های شان را پذیرفته و از اوامر شان سرپیچی نکنند. همین صمیمیت و همکاری در امور خانواده اطفال را آماده میسازد که به حیث یك طفل سالم از محیط خانواده، بیرون آمده و به محیط قریه قدم بگذارند.

شکل ۱: خانواده

قریه

بعد از محیط خانواده، دومین محیط تربیتی و تکاملی برای طفل محیط قریه و مردم آنست.طفل در محیط قریه با بسا مسایل و تعداد زیاد مردم روبه رو میشود. با اطفال دگر بازی میکند ، جهت خواندن نماز و درس به مسجد میرود ، به مزرعه میرود ، قلبه و ماله را میبیند، با بزرگان قریه معرفی میشود و با مسایل زیاد دگر روبرو میگردد.

اطفال عزیز و خوانندهء گرامی!

وقتی که از خانهء خود میبرایید و داخل محیط قریه خود میشوید، برای شما چی لازم است و چی کار ها را باید انجام دهید؟

از همه اولتر برای شما لازم است که صبح وقت، پیش از نوشیدن چای سیپارهء خود را بگیرید و به مسجد بروید. نزد ملا صاحب کمی درس بخوانید، بعد از خواندن درس، آن را همرای خود چندین دفعه تکرار کنید و سپس به خانه بیایید.وقتی که چای نوشیدید باز از مادر و پدر خود بپرسید که اگرکدام کار

باشد، برای شما بسپارند. مانند این که به پدر و برادران در وقت کشت و کار، چای صبح را رساندن، معمولاً آنها درین وقت به قلبه یا کار دگری مشغول میباشند، همچنان، از آنها پرسیده شود که به چیزی ضرورت دارند یا نی. اگر چیزی ضرورت نباشد ،آماده گی مکتب رفتن را بگیرند. وقتی که برای بازی از خانه میبرآیند یا در کوچه های قریه و یا میدانی میروند ، باز هم باید از مادر و پدر خود اجازه بگیرند.

اطفال در وقت بازی ، باید از احتیاط کار بگیرند ، با یك دگر دست اندازی بیجا نکنند ، خاك بازی نکنند و بالای یك دگر خاك نیندازند. چرا که کوچه های قریه هم پاك نمیباشند، خس و خاشاك و حتی انبار کثافات و خندقهای آبهای کثیف در آن موجود میباشند که اکثر اطفال به همین جاهای کثیف بازی میکنند و بالای یك دیگر خس و خاشاك و آب کثیف را میپاشد. بعض از اطفال پای برهنه میگردند. از همین سبب بالای دستها و پاهای بعض اطفال دانه های مختلف پیدامیشوند. گاه گاه هم در بین اطفال جنگ و جدل صورت میگیرد و حتی این که سخن به جنگ کلانها میکشد.

اطفال عزیز!

برای شما لازم نیست که در وقت بازی با همدگر جنگ کنید. اطفالی هم وجود دارند که در وقت بازی به خاطر یك چیز کم ارزش و خورد آرزده شده و با هم دست و گریبان میشوند و گریه کنان و یا به قهر به خانه میروند و میگویند، که فلانی مرا زد و برای خانواده سخن راست و حقیقت را نمیگویند. در نتیجه کلانهای خانه (مادر و پدر) میایند و بالای طفل دگر یا به قهر میشوند و یا او را لت و کوب میکنند و باز پدر و کلانهای آن طفلی که لت و کوب شده میایند و حرف چنان کلان میشود، که جنگ دو طفل به جنگ کلانها تبدیل میشود. پس باید هیچ وقت این قسم بازیها را نکنید که در نتیجه بازی به جنگ تبدیل شود، زیرا که هدف بازی جنگ و جدل نیست، بلکه مستی و ساعتتیری است. در بین بازیها باید شما آن بازی را انتخاب کنید که برای شما ضرر نداشته باشد. و باید بازی به صحت و سلامتی شما مفید باشد. مانند دوش، خیز زدن، در جای نرم خوسی کردن و بازیهای مفید دگر. چنان بازی نکنید که در نتیجهء آن سر یا پای تان بشکند، مانند سنگبازی و یا همدگر را

با غولك زدن که امکان بر آمدن چشم و یا شکستن سر در آن وجود، دارد. یا هم در جای خشك ، نا هموار یا زمین سنگلاخ به خیز انداختن بیجا و غیره اقدام نکنید.

بلی اطفال و خوانندهء عزیز!

مطلب دگری، که باید به آن زیاد متوجه بود این است که هیچ گاه بالای بامها بازی نه کنید. نه کاغذ پران بازی کنید و نه سایر بازیها را زیرا خطر پایین افتیدن را دارد. چنان چی یك تعداد اطفال بنابر همین دلیل از بامها افتاده اند.

اطفال عزیز!

در قریه ها علاوه بر احتیاط کردن در بازیها، بعضی مسایل مهم دیگر نیز وجود دارد، که باید در نظر گرفته شوند، زیرا که این مسایل از وجایب اخلاقی تان به شمار میروند. مثلاً در قریه به تمام موسفیدان ، کلانسالان و جوانان احترام کردن . به گونهء مثال وقتی شما در قریه به ملا امامان ، ملکان ، موسفیدان و یا جوانان روبه رو میشوید برای شان سلام بدهید . اگر در دستهای شان کدام چیزی بود آن را از دست آنها گرفته به خانهء شان برسانید. اگر برای شان کدام چیز، مثلاً آب و یا در خانه احوال بردن ضرورت باشد آن را به زودی انجام دهید.به این قسم شما

نزد کلانها بسیار عزیز میشوید. در این صورت اگر شما چیزی را خواسته باشید آنها برای شما میاورند وبه درسترس شما میگذارند.

اطفال عزیز!

یك چیز دگر و بسیار مهمی که باید شما به آن بسیار متوجه بود، این است که تمام قریه در حقیقت مثل یك خانواده است و هر کس در آن یك کار را به سر میرساند. مثلاً ، نجار، نجاری میکند قلبه ، جوغ،کلکین و چارپایی ، دروازه ، و دگر چیز ها را میسازد. سلمانی در قریه موهای اطفال و کلان سالان را اصلاح میکند، به محافل خوشی حصه میگیرد ومردم را خبر میکند. ملا در قریه امامت میکند و در مسجد برای اطفال درس میدهد.

دهقان، دهقانی میکند معلم، به شاگردان درس میدهد. به همین قسم تمام زنده گی قریه سربراه و منظم میشود . اگر در این میان، یکی هم از کار خود روگرداندو کار خود را به خوبی انجام ندهد، زنده گی تمام قریه بینظم میشود. پس وقتی که در قریه بازی میکنید باید یك دگر را طعنه ندهید و کلماتی را مثل ، بچهء آهنگر ، بچهء دلاك یا بچهء دهقان استعمال نکنید. زیرا

همهء اینها کسبها و حرفه هایی اند که از برکت آن چرخ زنده گی به حرکت میآید و در نتیجه تمام قریه و در نهایت تمام جامعه آسوده حال میگردد.

شهرک و شهر

شاگردان عزیز!

شما میدانید که با زیاد شدن اعضای خانوادهء ما، احتیاجات ما هم زیاد میشود. مثلاً اگر در یك خانوادهء چهار نفری ،شامل پدر ، مادر ، خواهر و برادر در یك وقت یك اطاق، ضرورت باشد ، اما با ازدیاد تعداد خواهران و برادران پدر یا کلان خانواده مجبور است برای ما به تناسب تعداد و ضرورت، اتاق یا اتاقها را اعمار کند و همین گونه ، متناسب به تعداد ما غذا و لباس و زمینهء تعلیم و سایر ضرورتها را مهیا سازد. اگر در قریه تعداد خانواده زیاد شوند. مردم مجبور میشوند که از قریه بیرون بروند و خانه ها و قلعه های نو را بسازند. همچنان اگر برای رفع احتیاجات اهل قریه ، در تمام قریه، صرف یك دکان، موجود

باشد طبیعی است، که احتیاجات تمام اهل قریه را که روز به روز افزایش میبابد، نمیتواند رفع سازد لذا به خاطر رفع احتیاجات مردم به دکانهای دگر ضرورت دیده میشود. به همین اساس، آهسته، آهسته در قریه، دکانها زیاد شده میرود و از آن بازار به وجود میاید و همین بازار با گذشت زمان و در اثر زیاد شدن احتیاجات به شهر های کوچك و بالاخره به شهرهای برزگ، تبدیل میشود. شهرها به اساس ازدیاد مردم توسعه یافته و در آن متناسب به احتیاجات شهریان، سرکهای پخته و اساسی، دکانها، مکاتب و شبکه های برق، فابریکه ها، دفترها، پارکها و سایر ساختمانهای مورد احتیاج اعمار میگردند.

ملت

شاگردان عزیز!

کشور عزیز ما افغانستان که در قلب آسیا، قرار دارد، دارای (۶۵۰۰۰۰) کیلو مترمربع مساحت میباشد. درین کشور که محاط به خشکه است، تقریباً ۲۶ ملیون نفر زنده گی میکنند. در شمال کشور ما جمهوریتهای تاجکستان، ازبکستان،

ترکمنستان واقع اند . در غرب با جمهوری اسلامی ایران و در جنوب و شرق با جمهوری اسلامی پاکستان و در شمال شرق به طول (۸۵) کیلو متر با جمهوری مردمی چین سرحد مشترك دارد.

نام کشور ما افغانستان است افغانستان، تاریخ پنجهزار ساله، دارد. کشور ما در اوایل به نام آریانا و بعد از آن به نام خراسان یاد میگردید. زمانی که احمد شاه درانی زمام امور این منطقه را به دست گرفت بر آن نام افغانستان را گذاشت.

درین کشور اقوام و ملیتهای مختلف با هم بود و باش دارند . همه اقوام و ملیتهایی که در این کشور زنده گی میکنند به نام افغان یاد میشوند.

ما و شما همه باشنده گان این کشور هستیم. برای ما لازم است تا در کشور عزیز خود افغانستان مثل برادر باهم زنده گی کنیم . ما زمانی در این کشور به مانند برادر با هم زنده گی کرده میتوانیم که حق خود و دگران را شناخته و به همدگر احترام داشته باشیم.

در کشور ما از سال ۱۹۷۸ میلادی به این سو، جنگ طولانی و خانمانسوز ادامه دارد این جنگ همه دارایی ما را تباه کرده

است . ما افغانها هم اکنون بیش از هر وقت دگر به صلح نیاز داریم. لهذا برای ما لازم است تا در کشور خود به خاطر تامین صلح و وحدت ملی سعی و تلاش به خرچ دهیم و به منظور عمران کشور خویش به همدگر دست همکاری را بدهیم. این هدف در کشور از راه تعلیم و تربیه بر آورده شده میتواند.

شاگردان عزیز!

بیایید که به مکتب برویم ، درس بخوانیم و به خاطر اعمار افغانستان آیندهء خود را آماده ساخته و از این طریق خود و کشور خود را از همه بد بختیها نجات دهیم.

مکتب

اطفال عزیز!

طوری که شما در خانه و قریهء خود از پدر ، ما در ، کلانسالها و همبازیهای خود آداب و راههای زنده گی را یاد گرفته و یاد میگیرید ، به همین قسم مکتب، مرکز دگر تعلیم و

تربیه است که شما در آن سبق میخوانید ، تربیت میشوید و علم و دانش را میاموزید.

شکل ۲: مجلس معلمان

در مکتب بزرگترین تربیت کنندهء تان (معلم) است، که پدر معنوی شما خوانده میشود. طوری که شما به پدر خود احترام میکنید ، به همین قسم احترام به معلم هم لازم است.در وقت درس باید به سخنان معلم، با دقت تمام متوجه باشید و زیاد کوشش کنید که یك حرف آن هم از نزد تان خطا نشود.

بدون اجازهء معلم از صنف بیرون نشوید و اگر کدام ضرورت برای شما پیش آمد، از معلم خود اجازه بگیرید. برای پاك نگهداشتن مکتب و صنف، همرای معلم و ادارهء مکتب همکاری نمایید، زیرا که مکتب دومین خانهء شما است. هر چند که خانه مقبول و پاك باشد ، ساکنین آن پاك و صحتمند میباشند. همان گونه که شما در قسمت پاك بودن خانهء خود سهم میگیرید، به همان قسم در قسمت پاك نگهداشتن مکتب خود هم سهم بگیرید.

شاگردان عزیز!

طوری که در خانه نقشها و حقوق کلانها و خوردها ، معلوم است، به همین قسم در مکتب هم نقش و حق خوردها وکلانها معلوم میباشد و همه مانند اعضای یك خانواده کار میکنند.

کلان مکتب، سر معلم یا مدیر آنست . بعد از آن معاون مکتب است . بعد ازمعاون مکتب معلمین میباشند. سر معلم و معاون مکتب کارهای اداری و تدریسی ومعلمین امور درسی را در مکتب به پیش میبرند. ملازم صنوف مکتب را پاك نموده و در اجرای کار های دگر حصه میگیرند. شاگردان هم درس میخوانند و هم در پاك نگهداشتن صنفها و مکتب سهم

میگیرند. یعنی همه مانند اعضای یك خانواده، مکتب خود را پاك و ستره نگاه میدارند و از برکت همین کار مشترك، کار اصلی که درس و تعلیم است ادامه مییابد. اگر همکاری کار مشترك درمیان نباشد ، مکتب و کار های آن به خوبی به پیش نمیروند. و اگر همکاری در مکتب موجود باشد فردا، از شما شاگردان نازنین انجنیران ، داکتران و علمای برجسته ساخته میشود. در آن صورت میتوانید با علم و فهم خود، هم خانه و هم جامعه و وطن خود را روشن و آباد سازید.

اگر معلم و مکتب نمیبود، امروز دنیا این قدر در ساحه علوم و تکنالوژی پیشرفت و ترقی نمیکرد. اگر علم نمیبود جهات مختلف زنده گی ما تاریك و بشر در چنگال جهالت گرفتار میماند.

اطفال عزیز!

از آن جایی که معلم و مکتب، اهمیت زیاد دارند، بر شما لازم است که برای معلم، بسیار زیاد احترام داشته باشید. مکتب خود را پاك نگهدارید و درسهای خود را به بسیار علاقه و شوق بخوانید . قوانین مکتب را رعایت کنید. غیر حاضری نکنید و

چیزی که معلم برای شما میگوید آن را قبول کرده و عملی سازید.

اطفال عزیز!

به شما معلوم است که انسانها نمیتوانند به تنهایی تمام احتیاجات خود را بر آورده سازند و ضرورت دارند تا از قابلیتها و دانش همدگر، استفاده نمایند. مثال خوب آن موجودیت مضامین مختلف و معلمین آن در مکتب است. موجودیت معلم هر مضمون در مکتب، نمایانگر آن است که درس دادن تمام مضامین از توان یك معلم خارج است، شاگردان نخواهند توانست از آن معلمی‌که چندین مضمون را درس میدهد بهره کافی بردارند، بنابران ، میتوان گفت که تقسیم امور در بهبود و انکشاف امور رول بسزا دارد.

همصنفیها

شاگردان عزیز!

شما شاگردان عزیز که از خانواده های مختلف به مکتب، میآیید در این جا، در یك مکان جمع و با هم مینشنید و معلم برای تان، درس میدهد ، شما همصنفیهای همدگر میباشید.

آن عده اطفالی که در جای معین به فعالیتهای درسی سهیم اند همه یك صنف را تشکیل داده و همصنفی گفته میشوند. مکتب، خانوادهء دوم تان است. در مکتب و صنف همهء تان باهم برادر و رفیق میباشید. بنابر آن لازم است تا همدگر را به چشم برادر و رفیق دیده و به هم احترام داشته باشید. هر گاه کسی از همصنفیهای تان در درسها، مشکلاتی داشته باشند، در درسها با آنها همکاری نموده و به سخنان همصنفیهای خویش گوش کنید و در هنگام درس، خاموش باشید ، از بینظمی درس جلوگیری نمایید، در جریان درس با معلمان خود همکاری کنید و در فعالیتهای صنفی سهم بگیرید ،اینها همه کار هایی اند که اساس زنده گی مشترك را تشکیل میدهند.

تدریس و آموزش دارای سه هدف میباشد، که عبارت از : به دست آوردن دانش و معلومات ، کسب مهارتها و درنظر گرفتن ارزشها میباشند.

ارزشهای ملی ، دینی و اجتماعی در بر گیرندهء احترام متقابل، کمك به بینوایان ، صداقت ، امانت داری و غیره میباشد.

هر گاه شاگردان، دانش و مهارتها را کسب کنند و به ارزشهای یاد شده، توجه داشته باشند ، جامعه به سوی ترقی و انکشاف، راه خواهند پیمود که آن مقصد و هدف ما و شماست.

PROPERTY OF ACKU

معلم

شاگردان عزیز!

معلم در مکتب و در صنف، پدر معنوی شاگردان خود میباشد پدر و مادر، یعنی خانواده برای تان تمام سهولیتهای زنده گی را میسر میسازد . یعنی غذا ، لباس، محل بود و باش ، تسهیلات تعلیم و تربیه ، دوا و غیره ضروریات را تهیه و آماده میکند . بناء لازم است تا به سخنهای پدر و مادر خود توجه داشته و آن را عملی کنید به ایشان احترام بگذارید و به هنگام ضرورت همرای شان همکاری کنید.

ضرب المثل است که میگوید : دوست آن نیست که برایت ماهی بگیرد، بلکه دوست آنست که برایت طریقهء گرفتن آن را یاد بدهد.

ضرب المثل یاد شده در مورد معلم، قابل تطبیق است و بنابر آن معلم پدر معنوی ما و شما خوانده میشود.

معلم برای ما علم ، مهارت و ارزشها را میآموزاند. با استفاده از علم و مهارتها میتوانیم غذا ، لباس ، سر پناه و سایر احتیاجات خود را برآورده سازیم. با کسب ارزشها میتوانیم راه و رسم مناسب زنده گی کردن در جامعه را که عبارت از تعاون با بینوایان، تحمل ، احترام متقابل ، زنده گی صلح آمیز و در نهایت طرز زیستن به حیث یك عضو مفید اجتماع را بیاموزیم. و اینها همه به مدد تعلیم و تربیه جامهء عمل میپوشند.

سر معلم

سر معلم، آمر مکتب و رهنمای امور اداری و تدریسی آن میباشد. وظیفه سر معلم این است که امور مکتب را تنظیم و سر براه سازد تا فعالیتهای تدریسی ، آموزشی به گونهء موثر پیش برود.

فعالیتهای اداری و تدریسی مکتب، زمانی موفقانه پیش برده میشود که معلمین و شاگردان، امور درسی خود را به وقت و زمانش انجام دهند و در اجرای فعالیتهای مربوط به مکتب با سر معلم همکاری کنند.

برای این که همه امور یاد شده به طور منظم پیش برود، لازم است تا سر معلم، در مکتب با شاگردان و معلمین خویش برخورد دلسوزانه داشته باشد و نیز تمام کارکنان مکتب را تشویق کند تا با شوق و ذوق کارهای صنف و مکتب را پیش ببرند تا باشد که امور تدریسی به خوبی پیش رفته و اساس مستحکم برای عمران وطن گذاشته شود.

اجتماع مکتب

اجتماع مکتب از شاگردان ، معلمین ، مامورین اداری و ملازمین تشکیل شده است.

معلمان در مکتب و یا به طور کل در نظام تعلیم و تربیه حیثیت ستون فقرات را دارند. سعی و تلاش همه در مکتب این است تا کتابهای درسی به طور موثر برای شاگردان تدریس شود.

به خاطر بر آورده شدن این هدف ، در مکتب به موجودیت تعمیر و کتابخانه ، میدانهای سپورتی و تدریس توسط معلمین ماهر ، کتابهای دلچسپ درسی ، مواد درسی و مواد ممد درسی ضرورت است . برای این که همهء تسهیلات یاد شده به وقت و زمانش اماده گردند به اداره و سازماندهی منظم سر معلم ضرورت است.

قابل یاد آوری است که تشویق شاگردان و سهمگیری مشتاقانه در فعالیتهای مکتب و مساعی مشترك کارکنان مکتب اساس موفقیتها را تشکیل میدهد.

به همهء شاگردان ، معلمین ، سر معلمین و سایر کارکنان مکتب، لازم است تا به خاطر اعمار کشور، اساس مستحکم تدریس و آموزش را در مکتب خود پایه گذاری کنند.

راه و رسم زنده گی مشترک

شاگردان عزیز و خواننده گان گرامی !

زنده گی مشترك، برای انسان ،نعمت بزرگی به شمار میآید. در سایهء زنده گی مشترك و دوستی، میتوان از بسا مشکلات ، موانع و خطرهای که در زنده گی ما را تهدید میکنند، مقابله نمود و جلو آن را گرفت.

دراین جا بخشی از راه و رسم زنده گی مشترك را برای تان معرفی خواهیم کرد.

جرگه

در جامعهء ما جرگه، ریشه های تاریخی عمیق دارد. جرگه از زمان آریاییها، برای ما به میراث مانده است. مردمها، امروز هم این عنعنه پسندیده را قبول داشته و بالای جرگه و اصول آن با قاطعیت استاده اند. اگر وقتی در بین افغانها، مشکل و یا مخالفتی به وجود آید .به خاطر حل آن جرگه را تشکیل نموده و آن مشکل را از طریق جرگه رفع میکنند.

شکل ۳: جرگه

جرگه، برای خود اصول و قوانینی دارد. جای جرگه، قبلاً توسط جرگه کننده گان، تعیین میشود، که اکثراً در حجره ها، دیره ها، و یا در مساجد، دایر میگردد. اهل جرگه یا جرگه کننده گان، آن کسانی تعیین میگردند که برای هر قوم ، قبیله و خیل مورد قبول باشند و در امر قبول آن اختلاف نظر پیدا نشود.
در جرگه، هر یك از اعضای جرگه، به نوبت صحبت میکنند. جرگه کننده گان همه جوانب قضیه را ارزیابی نموده هر یك از اعضای جرگه در شروع صحبت خویش به اساس فهم و دانایی

خود هدف و مدعای خویش را با آوردن مثالها و ضرب المثلها شروع میکنند و با زبان شرین و هوشیاری حرفهای دگران را میشنوند و به همین قسم حرفها و صحبتها در جرگه ادامه مییابد.

فضا و محیط جرگه، بسیار دوستانه بوده و مملو از احترام متقابل است هر یك از اعضای جرگه به نوبت خود به زبان شرین و ساده صحبت میکند.

اگر در جرگه، کدام کس حرف غلط و بد بگوید ، جلو آن گرفته میشود و حرفهای وی را مخالف روحیه جرگهء افغانها دانسته و او را ملامت میکنند. این ملامتی برای او نهایت سخت تمام میشود .به همین واسطه افغانها به جرگه، احترام دارند و کسی که مخالف روحیه جرگه، عمل کند از طرف جرگه کننده گان، تهدید میشود.

در وقت جرگه افراد مسلح و جوانان برای گرفتن امنیت جرگه آماده میباشند و امنیت جرگه را میگیرند. و برای خورد و نوش اعضای جرگه جوانان دگر وظیفه دار میشوند.وقت و مدت جرگه به ارزش موضوع آن ارتباط میگیرد.

اگر موضوع مهم و مغلق باشد، امکان دارد، که جرگه، روزها را دربر گیرد. اما اهل جرگه، تا زمانی از جرگه، خارج نمیشوند و یا ختم جرگه، را اعلان نمیکنند تا به نتیجهء نهایی دست یابند و جانبین بالای فیصلهء جرگه، قانع شوند.

با پذیرفتن فیصلهء جرگه، گوسفندان، ذبح میشوند و گوشت آنها مشترکاً خورده میشود. به این ترتیب عداوت از دلها و ذهنها بیرون میشود.

آن چی گفته شد، در مورد اقارب و سایر مردم، عملی میشود. این جرگه ها به پیمانهء وسیع آن در حل مسایل ملی و سیاسی ملت ما نقش تاریخی دارند، همین اکنون که سرنوشت ملی ما با مشکلات زیاد رو بروست، لازم است تا با اشتراك بزرگان و مشران ملی و اجتماعی خود باید با تشکیل لویه جرگه این مشکلات را رفع سازیم. همان سان که راه و رسم جرگه معین میباشد، به همان ترتیب اهل جرگه، نیز از خود خصوصیات منحصر به خود را دارند.

در زمرهء آداب جرگه، مهمتر از همه گرفتن اختیار وموافقهء طرفین قضیه از طرف اهل جرگه،است. طرفین دعوی باید به فیصله ها و تصمیمهای اهل جرگه باور داشته باشند و هیچ گونه

سر پیچی و مخالفت باید از خود نشان ندهند. برای این که اهل جرگه بتواند فیصله های خود را به درستی عملی کنند، یك مقدار پول را از جانبین به گونهء تضمین اخذ میکنند.

اگر زمانی که جرگه، تصمیم بگیرد و یك جانب قضیه فیصلهء جرگه را نپذیرد، پول تضمین، مال جرگه و طرف مقابل شمرده میشود. طرفی که فیصلهء جرگه را نمیپذیرد، برای جرگه ملامت میباشد.

عهد و پیمانی که با جرگه، صورت میگیرد " اختیار " خوانده میشود که جانبین، برای اهل جرگه، در مورد عدم سرپیچی خود از فیصلهء شان وعده میسپارند.

جرگه کننده گان با به دست آوردن اختیار از جانبین، با اطمینان خاطر، فیصله صادر میکنند و به موثریت و ارزش فیصله های خود متیقین میبا شند.

اشر

خداوند (ج) انسانها را با خواسته ها و مشخصات گوناگون خلق، کرده است. به خاطر این که هر کدام از انسانها بداند که به تنهایی در جامعه نمیتواند تمام خواسته های خود را بر آورده سازد و برای رفع مشکلات و نیازمندیهای خویش به دگران ضرورت دارد همچنان وی میتواند دگران را در وقت مشکل یاری رساند. این طرز فکر و اندیشه در زنده گی محلی ما نظر به زنده گی شهری بهتر به اثبات رسیده است و رسم همکاری در جامعه با یك دگر از دیرزمان به این طرف پا برجاست.

شکل ۴. اشر

در زنده گی اجتماعی ، کمك و همکاری به یك دگر مثل یك دین یا فرض قبول شده است. افراد در روز های دشوار به همدگر رسیده گی میکنند. در جامعهء ما، رسیده گی به یك دگر، اساس زنده گی اجتماعی را تشکیل میدهد. در زنده گی اجتماعی ما به همدگر، دست همکاری دادن، دین هر فرد است و هر کس در روزهای دشوار، باید به کمك دگران، بشتابد.

شکل ۴: اشر

در زنده گی اجتماعی و مشترك یك نمونهء همکاری مشترك در کار های دهقانی و رزاعتی، است. در قریه ها، تمام زنده گی

اقتصادی مردم، بر اساس کار دهقانی و زراعت، انجام میشود. در کار کشت و زراعت، دست همکاری به هم دادن کاریست که توسط آن هم امور دهقانی دهقانان، پیشبرده میشود و هم یك رسم خوب برادری در زنده گی اجتماعی به جا میشود.

در زنده گی دهاتی سطح زنده گی اقتصادی همهء مردم یك سان نیست. بلکه یك تعداد از مردم قریه برای کشت و زراعت، یك جوره گاو های قلبه ای دارند و عده یی هم از داشتن گاو قلبه یی محروم اند و آنها دارای توان کار هستند. هر دو جانب از قابلیتها و استعدادهای همدگر در امور خویش کار میگیرندو یك دگر را همکاری مینمایند. مثلاً در کشت و کار،در قلبهء زمین ، کوبیدن خرمن و غیره ، که این همکاری متقابل را چنان چی گفته شد. اشر خوانند. که یك نمونهء بسیار خوب ، دلچسپ و مفید زنده گی اجتماعی به شمار میرود.

عدالت

در زنده گی اجتماعی ما، مشکلات ، موانع و ضرورتها کم نیست. مردم ما برای رفع مشکلات زنده گی و ادامهء روزگار

خویش وسیله و توان کافی ندارند. توجه همهء شان به طرف کشت و زراعت است. باید بدانیم که همه مردم کشورما، دارای زمین نمیباشند. همین مشکلات اقتصادی و بسا مشکلات دگر سبب میشود که مردمان قریه و شهر با هم دعوا کنند و اختلافات در بین شان ایجاد شود. برای رفع اختلافات و دعوا در بین مردم ما عنعنات خوب و قابل قدر موجود است که به اساس آن دعوا و منازعات حل میشود و آن جرگهء موی سفیدان قریه است.که بر بنای عدالت استواراست و در بارهء ساختار آن قبلاً یاد آوری گردید.

به خاطر تاءمین عدالت در جامعه، ضرور است که در وقت قضاوت کردن حق و نا حق مشخص شوند و در وقت قضاوت گاهی به این طرف و گاهی هم از آن طرف جانبداری نگردد. در وقت قضاوت باید بی پرده قضاوت صورت گیرد و شخص حق به جانب و شخص ناحق و ملامت از هم تفکیك گردند این موضوع در زنده گی مشترك از اهمیت بسیار برخوردار است.

احترام متقابل

در جامعهء ما شناختن حقوق کلانها و خوردها پایه و اساس اخلاق ما را تشکیل میدهد. مردم ما تنها آن کسی را کلان قبول نمیکنند که مسایل ملی و قومی را تنظیم مینماید. بلکه آنها کسی را هم کلان میشمارند، که یك روز هم از دگری کلانتر باشد و احترام او را بالای خود لازم میدانند.

مردم ما بر بنیاد همین احترام متقابل، امور زنده گی خویش را به پیش میبرند. در بین آنها نسبت به شناختن حقوق خورد و کلان مشکلاتی دیده نمیشود. به همین دلیل، اگر در جامعه در بین شان کدام برخورد صورت گیرد، مثلاً اگر روی موضوع تقسیم آب در قریه ، جنجال دو برادر روی تقسیم زمین و یا مناقشه بین شاگردان، روی نمرات امتحان، پیش آید بزرگان و معلمین بالای خوردها و شاگردان خود به اساس بیطرفی و اثر گذاری مثبت خود ، طوری در موضوع میانجگری میکنند که در نتیجه عدالت و انصاف پایمال نگردد و احترام میانجیگری شان هم پا برجا بماند.

شاگردان عزیز !

برای شما لازم است تا در خانه ، قریه ، مسجد ، مکتب و جامعهء بر بنیاد احترام متقابل، کشتی زنده گی را به پیش ببرید. زیرا اگر ما این قسم رفتار و عمل نکنیم نه تنها یك زنده گی مطمئن را نخواهیم داشت، بلکه در جامعه خود از ارزش و احترام بی بهره خواهیم شد.

پس بیایید، سر از همین امروز برای شناختن حقوق خود و دگران، آن مقامی را بدست آوریم که از کلانها و بزرگان ما و از عنعنات ملی، برای ما به میراث مانده است.

تعاون

شاگردان عزیز!

تعاون و دستگیری از همدگر و به خصوص تعاون با نیازمندان یك اصل موثر زنده گی مشترك را تشکیل میدهد.اهمیت این اصل در کشور ما بسیار زیاد است.بیش از دو دهه میشود که جنگ در کشور ما ادامه دارد. هر روز ده ها نفر در نتیجهء جنگ

و برخورد با ماین یا زخمی میشوند یا از بین میروند، بناءً هر کدام ما مکلفیت داریم تا به همدگر دست همکاری داده، خود و هموطنان خویش را از این مشکلات نجات دهیم.

بیایید که همکاری و تعاون با همدگر را از صنف خویش آغاز کنیم. با معلمین خود در امر تدریس، منظماً همکاری کنیم و با آن عده همصنفیهای خود که در درسها پسمان اند در درس با آنها کمك کنیم ،همچنان در عملیهء تدریس و آموزش با معلمین خود در امر تنظیم صنف و تهیه مواد درسی، دست همکاری بدهیم به این ترتیب همکاری و دستگیری از همدگر عادت ما خواهد شد و این کاری است که اساس زنده گی مشترك را تشکیل میدهد و مشوق آن همانا تعلیم و تربیه میباشد.

وفا به عهد

شاگردن عزیز!

دین، مقدس اسلام از هر کدام ما میخواهد تا به وعدهء خود وفا کنیم . این وجیبهء هر کدام ما است تا عضو مفید خانواده ، قریه و مکتب خود باشیم. پس بر ما لازم است تا به وقت معین در

مکتب حاضر باشیم، درسهای خود را به شوق بخوانیم، وظیفهء خانه گی به وقت و زمانش انجام دهیم.

باید در گفتار و کردار خود صادق باشیم. صداقت، راستکاری و موثریت، شما زمانی قابل قبول واقع میشود که به وعدهء خود وفا کنید. هرگاه معلم برای تان بگوید که به وقت معینه به مکتب حاضر شوید ، در درسهای تان کوشش کنید ، وظیفه خانه گی را انجام دهید ، بزرگان را احترام کنید ، خورد و بزرگ را بشناسید ، اگر شما تمام کار های یاد شده را به صداقت طبق وعده انجام دهید پس به وعده خود وفا نموده اید.

وفا به عهد ارزش و اعتبار شما و مکتب تان را زیاد میکند.

امانتداری

شاگردان عزیز!

امانتداری، یکی از اصول اساسی دین ، مقدس اسلام را تشکیل میدهد. خیانت در امانت ، جامعه را به سوی فساد سوق میدهد ، اعتماد را از بین جامعه بر میدارد و اساس زنده گی مشترک را متزلزل میسازد.

پدر و مادر، شما را به مکتب ،میفرستند تا تعلیم حاصل کنید و به خاطر تعلیم، اکثراً شما را در انجام کار ها معاف ساخته اند و به جای شما سایر اعضای خانواده تلاش میکنند تا برای خانواده غذا، لباس و محل بود و باش، برای بیماران دوا ، و برای شما مخارج مکتب را تهیه کنند. پس لازم است تا شما هم وظایفی را که برای تان سپرده شده به خوبی انجام داده و امانت را ادا کنید و خوب درس بخوانید و از وقت به خوبی استفاده کنید.

صلح

بیش از دو دههء است که ما در افغانستان شاهد جنگهای زیادی بوده و میباشیم ، مردم ما در این جنگها لقب قهرمانی را هم کمایی کرده اند اما بدبختانه درین جنگها کشور خویش را به دشتهای لامزروع تبدیل کرده ایم.

اطفال عزیز!

صلح نظر به جنگ آسان ، ارزان و مفید است . در صلح صمیمیت ، تعلیم و تربیه ، زنده گی مرفه و امنیت میباشد. در

صلح، جامعه به سوی ترقی، پیشرفت میکند بیایید به خاطر تامین صلح به همدگر دست دوستی و همکاری داده، یك جا با هم در عمران کشور سهم بگیریم و از نعمت بزرگ زنده گی مشترك در فضای صلح بهره مند شویم.

عفو

برای این که همهء ما در کشور خود شرایط زنده گی خوب را مساعد بسازیم ، لازم است تا از توان و قدرت خویش استفادهء ناجایز نکنیم. این تحمل در انسان زمانی پیدا میشود که به جای انتقام راه و رسم عفو را انتخاب کند. عفو وقتی اجر دارد و در جامعه به نظر قدر دیده میشود که یك شخص یا یك گروه توان، انتقام گرفتن را داشته باشد. یعنی عفو در وقت قدرت اجر و ثواب دارد. منظور از آن چی گفته شد این است که ما و شما باید بالای اشخاص ناتوان ظلم نکنیم و بکوشیم که از راه عفو و تحمل به خاطر زنده گی مشترك در جامعه قدمهای استوار برداریم.

شاگردان عزیز!

شما که در یك صنف با همصنفیهای خود درس میخوانید ، لازم است تا با هم ، برادروار برخورد کنید. به بزرگان احترام و به خوردان شفقت داشتن، از عنعنات نیك، جامعه افغانی ما به شمار میآید.

هر گاه ما و شما به سخن همدگر گوش داده و با هم همکاری داشته باشیم ، در گفتار و کردار خود صادق باشیم . همه اینها اساس و اصول زنده گی مشترك را تشکیل میدهد.

تحمل

شاگردان عزیز!

اصل دگر زنده گی مشترك، داشتن، تحمل و بردباری‌است . ضرب المثل مشهور است که میگوید: "یکی بگو و دو بشنو" .

مفهوم آن این است که انسان دو گوش و یك زبان دارد. بنابر آن باید به سخن همدگر خوب گوش بگیریم و به هدف و مرام گوینده خود را آگاه سازیم. سپس جواب سنجیده شده بدهیم. شرط

نخستین مفاهمه، بین دو نفر و فهمیدن به مطالب همدگر، این است که باید به سخنان همدگر گوش داده شود و سخن خود را اجباراً بالای کسی تحمیل نکنیم.

مشکلی که در یك قریه یا خانواده پیش میآید بیشترین علت آن، عدم فهمیدن مطلب طرف مقابل میباشد. حق خود و دگران را مد نظر نمیگیریم . پس لازم است تاحق خود و دگران را در نظر بگیریم. به سخنان برادر دگر خود ، اهل قریهء خود و دوستان خود گوش بگیریم. به این ترتیب میتوانیم در خانواده ، قریه و کشور خود بی اتفاقی را از بین برده و در صلح و صفا زنده گی کنیم. به خاطر تامین عدالت در جامعه لازم است تا بین فرد حق به جانب و ملامت تمیز صورت گیرد و در وقت قضاوت، به طور ناحق، جانب این و آن را نگیریم. قضاوت بیطرفانه ، تمیز خوب و بد و مشخص ساختن طرف ملامت اصل مهم زنده گی مشترك پنداشته میشود.

FOREWORD

The conditions for learning in Afghanistan are pitifully poor. A recent study conducted by UNESCO reveals that not all the school children in this wartorn country will have complete sets of textbooks, while they sit in the classrooms. Not only are textbooks in short supply, their contents are outdated and limited, and fail to meet the educational needs of children in the 21st century. In the absence of television, newspapers, and other sources of information, Afghan children are generally ignorant of developments taking place in the outside world. This series of supplementary readers, is an initiative by UNESCO to re-inforce the cognitive level of Afghan children by providing information to them in areas, which though important, are not covered in the textbooks presently in use. The set comprising four supplementary readers, is based on the following themes:-

i. Science – Miracles of Science (new inventions)
ii. Health Education – Tips for healthy growth of children
iii. Socialization – Living together (family, peers, and peace education)
iv. Population explosion – Effects of rapid population growth on quality of life.

The subject readers have been produced, both in Pashtu and Dari languages. While eminent Afghan educationists and writers were involved in the process, AREP, an Afghan NGO, worked with UNESCO to facilitate the process of script writing, pre-testing, composing and finalization. The activity has been carried out under the Greater Azra Initiative (GAI) Project, funded by the Government of Japan. We acknowledge and value the contribution of Afghan experts, and support of AREP, in bringing out these materials. We hope these readers would contribute in exposing Afghan children to the new emerging trends around the globe, and widen horizons for them.

This is a trial edition. Suggestions and comments for their improvement will be welcomed.

31st October, 2001

Mrs. Ingeborg Breines
Director, UNESCO Office
Islamabad

Table of Contents

Living Together

Forword
Introduction
Living Together

Importance and Needs for Living Together

- Family/Relatives
- Village
- Town / City
- Nation

School

- Classmates/Peers
- Teachers
- Head Teacher
- School Community

Principles of living together

- Jirgah
- Usher
- Equity / Justice and Fair Play
- Helping Each Other/Cooperation
- Keeping Promises
- Mutual Respect
- Honesty
- Peacefulness
- Forgiveness
- Tolerance

PROPERTY OF ACKU

PROPERTY OF ARIC Established 1989